

پیشرفت فراطبیعی

عضو تیم جراح در گفت‌وگو با «وطن امروز»: می‌توان سالانه تا ۴ میلیارد دلار از تورسیم سلامت ارزآوری کرد

شنبه ۱۴۰۳ دی ۲۳ | ۱۷ رجب ۱۴۴۶ | ۱۸ آبان ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۸۱۳۳ | صفحه ۵ | ۵۰۰ تومان

وطن امروز

برف سیاه سینمایی



VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.42331 SAT.JAN.18, 2025 | ISSN:2008-2886 | ۱۷۰۰ سال و ۱۲۸ روز گذشت

تیتتر های امروز

امضای توافق ۲۰ ساله ایران و روسیه
آغاز فصل جدید همکاری‌های راهبردی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی

راهبرد آینده‌سازی

این معاهده ۲۰ ساله شامل ۴۷ ماده است و بر همکاری در پروژه‌های کلیدی مانند کریدور شمال-جنوب، فناوری‌های نوین و مبارزه با تروریسم تأکید دارد

پس از عملیاتی شدن موافقتنامه جامع حجم معاملات از ۵ میلیارد دلار به ۳۰ میلیارد دلار در سال افزایش می‌یابد

همکاری در حوزه‌های دفاعی و نظامی از جمله انرژی صلح آمیز هسته‌ای، در این توافق پیش‌بینی شده است؛ همکاری در زمینه امنیت و دفاع به افزایش توان دفاعی ۲ کشور کمک کند

بزودی جزئیات کامل موافقتنامه به مجلس ارائه خواهد شد



عملیات ناامیدسازی؛ محور اصلی جنگ سایبری آمریکا علیه ایران

سیدپویان حسین‌پور

در سال‌های اخیر، جنگ سایبری و عملیات شناختی به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران شناخته شده است. این جنگ‌ها که با استفاده از فناوری‌های پیشرفته و استراتژی‌های دقیق روانی انجام می‌شود، هدفی جز ایجاد تزلزل در باورهای مردم و ناکارآمدنمایی نظام ندارد و در این میان، یکی از مهم‌ترین محورهای این عملیات، پروژه‌های ناامیدسازی است که با تمرکز بر محیط سایبری اجرا می‌شود.

عملیات ناامیدسازی به طور مستقیم بر روان جامعه اثر می‌گذارد و می‌تواند به تضعیف سرمایه اجتماعی و کاهش انگیزه عمومی برای مشارکت در امور ملی منجر شود. از جمله تأثیرات این عملیات می‌توان به کاهش اعتماد به نهادهای حکومتی، ترویج حس انفعال و بی‌تفاوتی در میان مردم و کاهش امید به آینده و توانایی جامعه برای مقابله با چالش‌ها اشاره کرد.

محورهای اصلی عملیات ناامیدسازی

عملیات ناامیدسازی علیه ایران را می‌توان به چند محور کلی تقسیم کرد: یکی از این محورها، برجسته‌سازی مشکلات داخلی ایران است. از جمله این مشکلات می‌توان به مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اشاره کرد که با هدف القای حس بی‌ثباتی و ناکارآمدی انجام می‌شود. این برجسته‌سازی غالباً با استفاده از داده‌های ناقص یا تحریف‌شده انجام می‌شود.

محور دیگر، تضعیف اعتماد عمومی است که با ایجاد شکاف میان مردم و مسئولان همراه است. شیاعیات درباره فساد یا بزرگنمایی اختلافات درونی نظام، نمونه‌هایی از این تلاش‌هاست. همچنین تحریف دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای نادیده گرفتن یا کم‌اهمیت جلوه دادن آنها از جمله اقدامات کلیدی این عملیات به شمار می‌رود. در نهایت، انتشار محتوای ناامیدکننده درباره آینده در حوزه‌های نظیر وضعیت جوانان، اشتغال و اقتصاد، هدف دیگری است که آمریکا در این جنگ دنبال می‌کند.

نهادسازی را بشناسیم
نهادهای متعددی در آمریکا در پروژه‌های ناامیدسازی و جنگ سایبری علیه ایران فعالیت می‌کنند که در ادامه مروری اجمالی بر هر یک از این نهادها خواهیم داشت.

اژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) یکی از این نهادهاست که از طریق حمایت مالی از سازمان‌های غیرانتفاعی و کمیته‌های رسانه‌ای، در این پروژه‌ها مشارکت دارد.

ادامه در صفحه ۸

بررسی ابعاد مختلف آتش‌بس حماس و رژیم صهیونیستی و نتایج ۱۶ ماه جنگ خونین در غزه

اینک پیروزی



چرا آسیایاها کمتر دلاویس «ترامپ ۲» هستند؟

آسیا با ترامپ چه می‌کند؟

و نمایش بازدارندگی در برابر کره شمالی، نشان داد رویکرد او با غرایز بسیاری از دولت‌های آسیایی همخوانی دارد. رهبران آسیایی دلیلی برای ترس از ترامپ ندارند، چون سیاست‌های اصلی آمریکا برای شان از پیش معلوم است. هر چند تغییرات حاشیه‌ای ممکن است اختلال آفرین باشد اما بعید است جهت‌گیری‌های کلی تغییر کند و ترس مسائل نگران‌کننده، موضوعاتی مانند تایوان، تعرفه‌ها و رهبری منطقه‌ای است که نیازمند نظارت دقیق است.

معنای تایوان
باید با شکست سیاست «بهام راهبردی» چند دهه‌ای، بار اعلام کرد آمریکا از تایوان در برابر تجاوز چین دفاع خواهد کرد ولی ترامپ چنین اظهاری نخواهد کرد، در طول انتخابات ۲۰۲۴، نظرات او درباره تایوان نشان داد این موضوع در چارچوب دیدگاه‌های کلی او درباره متحدان و تجارت قرار می‌گیرد. او تایوان را دور از دسترس دانسته و گفته است باید هزینه بیشتری برای حمایت آمریکا بپردازد. او تاییه را به دزدی صنعت نیمه‌هادی آمریکا متهم کرده است اما اینکه ترامپ، تایوان را صرفاً به عنوان یک مهره در بازی بزرگ‌تری با چین ببیند، یک خطر است. اگر او تجارت و امنیت را با گنجاندن تایوان در معامله احتمالی با چین در هم بیاورد، خطرات را بشدت افزایش خواهد داد. ترامپ وعده داده روایت مشروعیت‌بخش حزب رسانده امری که توسط کشورهای آسیایی بویژه چین با دقت رصد می‌شود. با این حال، شرایط «جغرافیایی» اوکراین و تایوان مشابه نیست و چین این موضوع را شفاف کرده است. تایوان در قلب روایت مشروعیت‌بخش حزب کمونیست چین قرار دارد و هر اقدام نظامی ناموفق یا متوقف شده علیه تایوان، برای حاکمیت حزب مهلک است. این موضوع برای رهبران چین بسیار حیاتی است، بالاخص با توجه به رسوایی‌های فساد در ارتش که توانایی

حزب را زیر سوال برده است. از سوی دیگر، حمایت صریح بائسن از تایوان، حس حق به جانب بودن را در تاییه ایجاد کرده و این ایده را تقویت کرده که ایالات متحده و متحدانش راهی جز دفاع از تایوان ندارند. همچنین این موضوع سبب شده تایوان جایگاه راهبردی خود در اقتصاد جهانی را اغراق آمیز ارزیابی کند و نقش شرکت TSMC را در تولید تراشه‌ها بیش از حد در نظر بگیرد. هر چند این شرکت نقش مهمی در صنعت نیمه‌هادی دارد اما تنها یکی پیمانکار است و دیگری هم هستند. البته این شرکت بخشی از فعالیت‌های خود را به ایالات متحده، ژاپن و دیگر مناطق منتقل کرده که ممکن است از اهمیت اقتصادی تایوان در بلندمدت بکاهد. اگر ترامپ از اوکراین عقب‌نشینی کند یا اقداماتی برای بهبود تولید نیمه‌هادی در آمریکا انجام دهد، تاییه می‌فهمد نمی‌تواند بر حمایت نامحدود واشنگتن تکیه کند. چنین اقداماتی ممکن است از حرکت سیاست داخلی تایوان به سمت استقلال طلبی بی‌ثبات‌کننده جلوگیری کند؛ اقدامی که افزایش رزمایش‌های نظامی چین در اطراف آن با اقدامات تهاجمی در جزیره تایپینگ را محتمل می‌کند. البته اثر منطقه‌ای جنگ اوکراین نیز نباید بزرگنمایی شود. کشورهای مانند استرالیا، ژاپن، سنگاپور و کره جنوبی موضوعی قوی در برابر روسیه گرفته‌اند اما بیشتر منطقه، بویژه کشورهای مسلمان جنوب شرق آسیا دودل هستند. این کشورها شاهد استاندارد دوگانه واشنگتن بوده‌اند که چگونه جنگ روسیه را محکوم می‌کند اما حامی یا عامل جنگ‌های افغانستان، عراق و غزه است. بسیاری از دولت‌های آسیایی سعی می‌کنند هزینه و فایده را برای حفظ منافع ملی خود مقابل آمریکا محاسبه کنند ولی در این میان، چین بزرگ‌ترین مشکل است.

ادامه در صفحه ۸

نزدیک شدن به مراسم تحلیف دوم دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده، نگرانی کشورهای جهان بویژه متحدان غربی آمریکا بازگشت سیاست‌های غیرلیبرال او افزایش یافته است. از زمان اعلام کاندیداتوری ترامپ، اندیشکده‌های مختلف به بررسی عواقب احتمالی روی کار آمدن دویساره او پرداختند و این تحلیل‌ها با نزدیک شدن به مراسم تحلیف، جنبه عملی به خود گرفته است. بسیاری از کشورهای غربی پیش‌بینی می‌کنند اصطکاک‌های بیشتری با ایالات متحده بویژه در بخش خصوصی ایجاد خواهد شد. این نگرانی‌ها با واکنش‌های تهاجمی مدیران شرکتهای آمریکایی مانند ایلان ماسک تشدید شده است. در داخل ایالات متحده نیز واکنش‌هایی به این وضعیت نشان داده شده و راحل‌هایی ارائه شده است. نشریه فارن افرز وابسته به اندیشکده شورای روابط خارجی، با بررسی تاریخچه روابط ایالات متحده و کشورهای آسیایی، پیشنهاد می‌کند که کشورهای غربی از رویکرد آسیایی‌ها درس بگیرند. به اعتقاد این نشریه، سیاست مداخله‌گری حداقلی ایالات متحده در آسیا که منجر به بازتعریف روابط اقتصادی و سیاسی بر مبنای منافع و نه ارزش‌های مشترک شده، می‌تواند الگویی برای کشورهای غربی باشد.

ادامه در صفحه ۸

یادداشت
علی محمودی

با نزدیک شدن به مراسم تحلیف دوم دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده، نگرانی کشورهای جهان بویژه متحدان غربی آمریکا بازگشت سیاست‌های غیرلیبرال او افزایش یافته است. از زمان اعلام کاندیداتوری ترامپ، اندیشکده‌های مختلف به بررسی عواقب احتمالی روی کار آمدن دویساره او پرداختند و این تحلیل‌ها با نزدیک شدن به مراسم تحلیف، جنبه عملی به خود گرفته است. بسیاری از کشورهای غربی پیش‌بینی می‌کنند اصطکاک‌های بیشتری با ایالات متحده بویژه در بخش خصوصی ایجاد خواهد شد. این نگرانی‌ها با واکنش‌های تهاجمی مدیران شرکتهای آمریکایی مانند ایلان ماسک تشدید شده است. در داخل ایالات متحده نیز واکنش‌هایی به این وضعیت نشان داده شده و راحل‌هایی ارائه شده است. نشریه فارن افرز وابسته به اندیشکده شورای روابط خارجی، با بررسی تاریخچه روابط ایالات متحده و کشورهای آسیایی، پیشنهاد می‌کند که کشورهای غربی از رویکرد آسیایی‌ها درس بگیرند. به اعتقاد این نشریه، سیاست مداخله‌گری حداقلی ایالات متحده در آسیا که منجر به بازتعریف روابط اقتصادی و سیاسی بر مبنای منافع و نه ارزش‌های مشترک شده، می‌تواند الگویی برای کشورهای غربی باشد.

ادامه در صفحه ۸

چرا آتش‌بس به معنای پیروزی جبهه مقاومت است؟

۸ دلیل پیروزی مقاومت

یادداشت روز
مرتضی علیزاده

توافق آتش‌بس میان رژیم صهیونیستی و گروه‌های مقاومت در غزه، به وضوح نشان‌دهنده معادلات جدید در منطقه و تأثیرات آن بر طرف‌های درگیر است. در این یادداشت، به تحلیل تحولات به وجود آمده پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ می‌پردازم و با ذکر ۸ دلیل به این پرسش پاسخ می‌دهم که چرا این آتش‌بس برای جبهه مقاومت پیروزی و برای رژیم اسرائیل شکست محسوب می‌شود.

۱- ناتوانی اسرائیل در دستیابی به اهداف نظامی: یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های رژیم صهیونیستی در این جنگ نابرابر، عدم دستیابی به اهداف نظامی خود بود. تل‌آویو نتوانست زیرساخت‌های نظامی جبهه مقاومت را نابود کند و این موضوع به طور مستقیم بر اعتبار نظامی این رژیم تأثیر منفی گذاشت.

۲- تضعیف مشروعیت بین‌المللی اسرائیل: اقدامات نظامی رژیم اسرائیل، هم مشروعیت داخلی آنها را تحت تأثیر قرار داد و هم موجب تضعیف مشروعیت بین‌المللی آنها شد. در طول بیش از یک سال گذشته بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی بشدت به این اقدامات واکنش نشان دادند و خواستار پایان خشونت‌ها شدند؛ تا جایی که حکم تعقیب قضایی برای نخست‌وزیر این رژیم صادر شد و بسیاری از کشورها از منع ورود او به سرزمین‌های خود خبر دادند.

۳- تقویت حمایت‌های مردمی: این آتش‌بس نشان داد گروه‌های مقاومت در داخل غزه و سراسر سرزمین‌های اشغالی از حمایت‌های کامل مردمی برخوردارند و به‌رغم برخی سوءتفاهمات دشمنان و با وجود همه دشواری‌هایی که رژیم غاصب بر مردم مظلوم فلسطین تحمیل کرده است، آنها همچنان از مقاومت حمایت می‌کنند و در این مسیر از وحشی‌گری‌های رژیم صهیونیستی ابایی ندارند.

۴- تقویت دیپلماسی عمومی مقاومت: پس از ۱۷ اکتبر، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نقش بسزایی در شکل‌دهی به افکار عمومی ایفا کردند. تصاویر و گزارش‌های مربوط به حملات اسرائیل به غیرنظامیان فلسطینی، موجی از انتقادات را در سطح جهانی ایجاد و به نفع جبهه مقاومت عمل کرد.

۵- توسعه توان نظامی جبهه مقاومت: یکی از نکات کلیدی که به پیروزی جبهه مقاومت کمک کرد، حفظ توان نظامی و آمادگی آنها برای ادامه نبرد بود. گروه‌های مقاومت مانند حماس و جهاد اسلامی توانستند با استفاده از تاکتیک‌های جنگی مدرن و به کارگیری سلاح‌های پیشرفته، به رژیم صهیونیستی آسیب‌های جدی وارد کنند. این موضوع باعث شد تل‌آویو نتواند به اهداف خود در نابودی زیرساخت‌های نظامی جبهه مقاومت دست یابد.

۶- گسترش بحران‌های داخلی رژیم صهیونیستی: پس از یک دوره نسبتاً طولانی درگیری میان اسرائیل و گروه‌های مقاومت، اکنون رژیم صهیونیستی با چالش‌های داخلی متعددی روبه‌رو است. نارضایتی‌های اجتماعی، بحران‌های اقتصادی، همچنین فشارهای بین‌المللی بر تل‌آویو باعث شد این رژیم نتواند به طور کامل بر اهداف نظامی خود متمرکز شود. این چالش‌ها نشان داد رژیم اسرائیل در وضعیت بی‌ثباتی که بتواند به جنگ ادامه دهد.

۷- تغییر در معادلات منطقه‌ای: توافق آتش‌بس نشان‌دهنده تغییر توازن قدرت در منطقه به نفع جبهه مقاومت است. فشارهای محور مقاومت بر برخی کشورهای منطقه و تلاش‌های دیپلماتیک در سطح جهانی منجر به این شد رژیم صهیونیستی برخلاف اهداف اولیه خود وادار به پذیرش آتش‌بس شود و این خود حاکی از تغییر وزن محور مقاومت در منطقه است.

۸- تقویت روابط میان گروه‌های مقاومت: یکی از دستاوردهای عملیات ۱۷ اکتبر، تقویت روابط میان گروه‌های مختلف مقاومت است. اقدامات گسترده حوثی‌ها در یمن و اسرائیل در لبنان و گروه‌های مقاومت در عراق و... در حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطین در نهایت منجر به منطقه‌ای محسوب می‌شود. جبهه مقاومت با حمایت‌های مردمی و بین‌المللی توانست یک آتش‌بس دیگر را بر رژیم صهیونیستی تحمیل کند و با توجه به اهدافی که این رژیم برای خود ترسیم کرده بود، این آتش‌بس برای آنها یک شکست قطعی است.

ادامه در صفحه ۶